

درباره بانویی نیکوکار که حوالی یک قرن پیش با خرید کارخانه چراغ‌برق، بانی روشنایی حرم مطهر رضوی شد

پیشکش «شمس الملوک» به بارگاه شمس الشموس (ع)

سیده‌نعمه زینبی| حوالی یک قرن پیش، در روزگاری که مرد‌ها سردمدار بودند و زنان در پستوی خانه‌ها به‌سر می‌بردند و نام بانوان به‌سختی و با مشقت، بلند و پرآوازه می‌شد، نام یک زن در تاریخ مشهد ماندگار می‌شود؛ زنی که اگرچه نوه فتحعلی‌شاه قاجار و همسر آقاخان بوده است، به چیزی ورای این‌نسب‌های خاندانی شهره می‌شود و جای خودش رامیان مردم باز می‌کند؛ نام «شمس الملوک آقاخانی» پیش و بیش از القاب درباری‌اش، به نیکوکاری و اهل فضل بودن، پرآوازه شده؛ زیرا او خادم و شیفته سلطان خراسان بوده است. اسناد تاریخی می‌گویند او چندباری برای زیارت به مشهد می‌آید و از آنجا که ارادت خاصی به امام هشتمین داشته، هر بار که در کار آستان قدس گره می‌افتاده، او گره‌گشایی می‌کرده است؛ خرید کارخانه چراغ‌برق با هدف روشنایی حرم مطهر برای دو مرتبه و همچنین خرید بادبزن‌های برقی برای آستانه، ازجمله کارهای اوست که روایت آن در سطرهای بعدی آمده است.



شمس الملوک که بود؟

بی‌بی شمس الملوک، از زنان قاجار و درواقع نوه شاه ایران، دختر شمس الدوله، فرزند فتحعلی‌شاه قاجار است. نسب پدری این بانو به نظام‌الدوله‌ها می‌رسد و پدرش، علی‌محمدخان نظام‌الدوله، از علما و بزرگان عهد قاجار بوده است. این مرد با دختر فتحعلی‌شاه قاجار ازدواج می‌کند و پس از آن، شاه حکومت کاشان را به او می‌سپرد، اما کدورت میان محمدخان و عباس میرزا، ولیعهد فتحعلی‌شاه، او را از جان خود و خانواده‌اش بیمناک می‌کند؛ به همین دلیل شبانه همراه همسر شانزده‌ساله‌اش که لباس مردانه پوشیده بود، راهی نجف می‌شود. پدر شمس الملوک در آنجا درس می‌خواند و به مقام اجتهاد می‌رسد و پیش از هجده جلد کتاب می‌نویسد.

شمس‌الملوک با چنین پدر و مادری، جهان را مزمره می‌کند و طعم زندگی‌رامی‌چشد، او در نهایت با علی‌شاه یا همان آقاخان دوم ازدواج می‌کند و می‌شود مادر

- نخستین چراغ‌برق شمس‌الملوک برای حرم مطهر

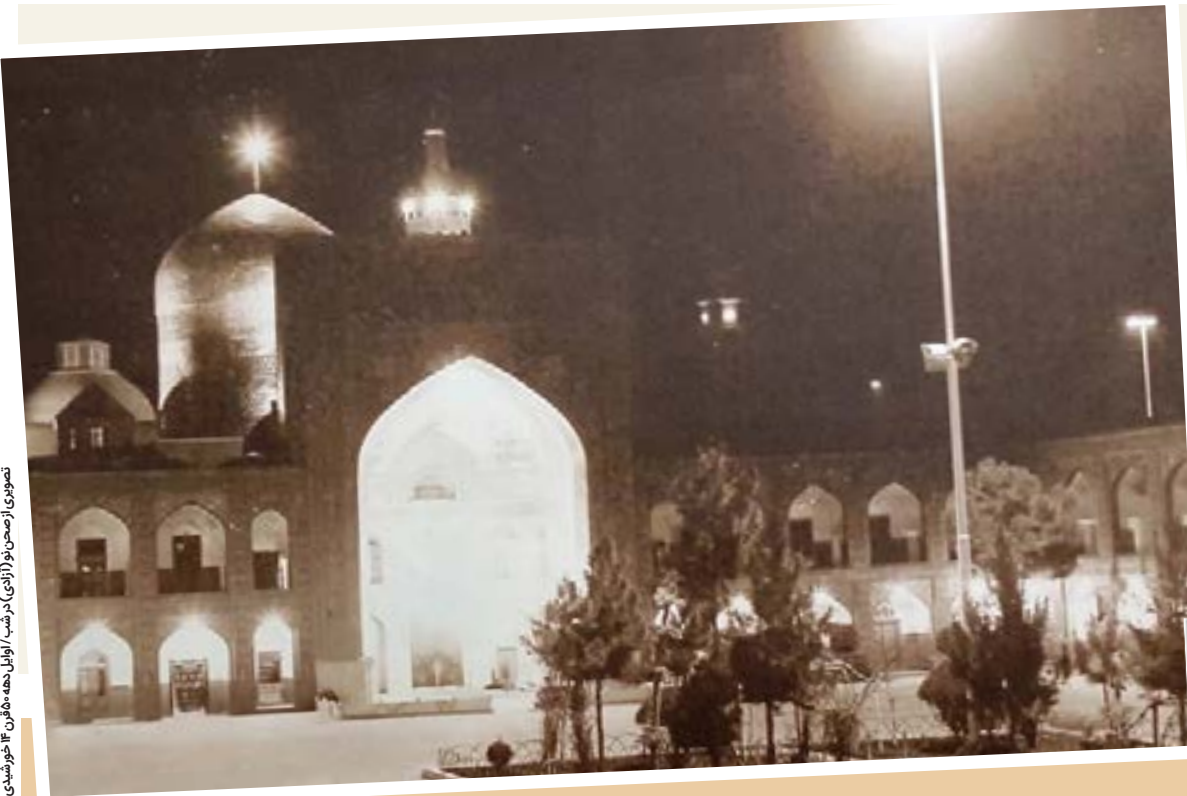
روشنایی در قدیم، ارزشی بیشتر از آنچه فکر کنید، داشت. آن زمان فقط حرم امام رضا^(ع) و سایر عمارات و ابنیه متبرک و قسمتی از بالاخیابان برق داشت، آن هم به همت حاجی‌محمدباقر میلانی در زمان مظفرالدین‌شاه قاجار و حاج امیر رضوی در سال ۱۲۴۹ خورشیدی. این دو مولد، سال‌های زیادی تنها تأمین‌کننده‌های نیروی برق شهر بودند. باگسترش شهر و حرم مطهر امام هشتم^(ع)، این مولدها دیگر جواب برق صحن و سرای حضرت را نمی‌داد؛ به همین دلیل مسئولان آستان قدس که می‌دانستند شمس الملوک دستی در کار خیر دارد، به سراغ این بانو رفتند تا او هم به جمع برق‌آوران حرم بپیوندد. یکی از زائرانی که در سال ۱۳۰۵ خورشیدی از بمبئی به مشهد آمده بود، در این باره می‌گوید: «روشنایی روضه مبارکه در شب با یک ژنراتور برق انجام می‌گیرد که مادر آقاخان، آن را اهدا کرده است». درواقع روشنایی حرم رضوی در تاریکی شب، هدیه این بانو به زائران بارگاه مطهر امام‌نوف^(ع) بوده است.

بی‌بی شمس‌الملوک در سال‌های نخست قرن ۱۳،

ضمن مکاتبه‌ای با اسعدالتولیه درباره این مولد برق نوشته است: «در یک هفته قبل، آقای جعفرزاده روانه بودند... یک دستگاه ماشین مع تعلقات آن از دینام و سیم و چراغ و... آنچه را که خود مشارالیه دستور داده و پسند نمودند، خریداری شده و کلیه اشیا را تسلیم ایشان نموده، رسید دریافت نمودیم و مخارج تماماً داده شده، تمام اسباب چراغ و ماشین در جوف (درون) همین کاغذ است... خداوند عالم، نصیب من بفرماید که دفعه دیگر به آستان بوسی حضرت ثامن‌الائمه^(ع) مشرف شوم و از دیدن چراغ‌ها و روشنایی‌شان، کمال مسرت را حاصل نمایم». تقریباً یک سال پس از این نامه، خبر نصب موتوربرق جدید به بی‌بی شمس‌الملوک می‌رسد؛ «سه هفته قبل، تلگراف رسید که چراغ الکتریک تقدیمی آستان ملک پاسبان وارد شد، نهایت مشغوف شدم، امیدوارم تا به حال چراغ‌ها را در حرم مطهر نصب نموده‌اید».

- دومین کارخانه چراغ‌برق اهدایی به حرم

در گام بعدی که سرنوشت شمس‌الملوک و خراسان به هم گره می‌خورد، دوباره ماجرای برق حرم رضوی به میان کشیده می‌شود. هفت سال بعد از اولین وقف بی‌بی شمس‌الملوک، عزیزخان پسر واقف، به مشهد می‌آید. اسدی، نایب‌التولیه آستان قدس، از این فرصت برای احیای این موقوفه استفاده می‌کند



تصویر از صحن نمازگاہی (در شب) / اوایل دهه هفدهم خورشیدی

آقاخان سوم، این بانو جدای از فعالیت‌های اجتماعی بسیار، در کار خیر هم دست داشته و به همین دلیل نیز میان مردم شهرت پیدا کرده بود تا نشان بدهد به اسم و رسم پدر، مادر و همسرش، دل نبسته است و خودش شخصیتی منحصر به فرد دارد.

بیگم آقاخان از چشمه شعر و ادبیات فارسی نیز می‌نوشید و خاطرات شفاهی و نوشتاری زیادی در این باره از او به یادگار مانده است. این بانو در میان شاعران فارسی‌زبان به اشعار حافظ، مولانا، ناصر خسرو و دیگر بزرگان شعر و ادب فارسی علاقه نشان می‌داد، البته این علاقه مانع فراق او از وطنش نمی‌شود و به خاطر جبر زمانه، سال‌های سال در هندوستان زندگی می‌کند. زمانی که همسرش آقاخان دوم مرگ را پذیرا می‌شود، شمس‌الملوک فرزند خردسالش را تنهایی به ثمر می‌رساند. او بیشتر عمر خود را در دیار هفتادودوملت به‌سر می‌برد اما اندکی پیش از درگذشتش، به بغداد می‌رود و سال ۱۳۱۵ خورشیدی، در هشتادوهشت‌سالگی در آن شهر از دنیا می‌رود و در همان دیار هم به خاک سپرده می‌شود. ماجرای که باعث شده است ما امروز به سراغ شمس‌الملوک برویم و از او بنویسیم، اهدای کارخانه برق به حرم مطهر رضوی است تا علاقه این بانو به هشتمین امام شیعیان در جریده اعمالش نگاشته شود. ماجرای این هدیه گران‌قیمت در روزگاری که روشنایی و نور بیش از آنچه فکر کنید ارزشمند بوده است، خواندن دارد.

- روپیه‌های هندی برای کمک به مردم تیرت‌حیدربه

البته رابطه شمس‌الملوک با خراسان در همین جابه پایان نمی‌رسد و در همه مدت اقامتش در هندوستان، حواس او جمع این ثلک است؛ به همین دلیل نام او در فهرست اعانه‌دهندگان زلزله تیرت حیدربه نیز دیده می‌شود. زلزله تیرت در خرداد سال ۱۲۳۲ رخ داد. طبق روایت والی وقت خراسان، جعفرقلی‌خان سردار اسعد، در این زلزله شهر خراب و پنج روستا منهدم می‌شود. آمار تلفات این زلزله از حدود ۲ هزار و ۵۰۰ نفر تا بیش از ۶ هزار نفر متغیر است. بعد از زلزله، بازماندگان شرایط زیستی هولناک و رقت‌انگیزی داشتند و نبود امکانات بهداشتی و زیرساخت‌های ارتباطی مناسب، غوغای می‌کرد. در چنین شرایطی، بانوشمس‌الملوک در تاریخ ۱۰ اسفند سال ۱۲۳۲ خورشیدی، در نامه‌ای به مدیر روزنامه مهرمنیر، از جمع‌آوری مبلغ ۷ هزار روپیه اعانه برای زلزله‌زدگان این شهر خبر می‌دهد و فهرست افرادی را که در این امر خیر مشارکت کرده‌اند، برای این جریده می‌فرستد و می‌نویسد: «مستدعی است در صورت امکان، آن ورقه را در نامه جلیل مهرمنیر شایع نمایید که متشکر خواهیم شد». این فهرست خیلی زود منتشر می‌شود. نام شمس‌الملوک با مبلغ ۱۵۲۰ روپیه در صدر آن و عیال محمدعلی فقیربا ۱۰۵۲ روپیه در جایگاه دوم قرار گرفته است. در ادامه این فهرست حتی افرادی هستند که مبلغ ۱۵ روپیه را به شمس‌الملوک سپرده‌اند و او سفیر مهربانی آن‌ها به سوی خراسان شده است. این اتفاق ثابت می‌کند این بانو اهل کار خیر بوده و از احوال خراسان، غافل نبوده است.

- نخستین پنکه‌های حرم، اهدایی بی‌بی

یک سال از ورود چراغ‌برق تازه به مشهد می‌گذرد و خوشی حضور کارخانه برق تازه، هنوز از بین نرفته است که بادبزن‌های برقی هم از راه می‌رسند. این بادبزن‌ها را نیز بانوشمس‌الملوک خریداری و ارسال کرده است تا نسل نخست پنکه‌های برقی به حرم مطهر رضوی وارد شود. گویا در همان زمانی که ماشین چراغ‌برق خریداری شده است، وعده ارسال این بادبزن‌ها نیز به آستان قدس داده می‌شود. در پاییز سال ۱۲۳۲ و صندوق‌اشیای الکتریکی (بادبزن برقی)



درخواست تولیت آستان قدس رضوی از شمس‌الملوک برای خرید لوازم برای بیمارستان شاهرضا در سال ۱۳۱۲ خورشیدی



خبر رسیدن بادبزن های برقی اهدایی شمس الملوک به مرز ایران و تقاضای معافیت این بار از گمرک



نامه شمس الملوک به آقای اسعد نایب التولیه آستان قدس رضوی در ۲۷ دی ماه سال ۱۳۰۳ خورشیدی



نامه گمرک خراسان به تولیت آستان قدس رضوی برای واردات ۳۱ عدل لوازم مورد نیاز کارخانه چراغ برق در سال ۱۳۰۳

تاریخ حرم

یادی از محمدصادق حامدمقدم‌رافتی، معمار آستان قدس رضوی که ۳۲سال پیش در همین ایام درگذشت

سازنده صحن جمهوری اسلامی و ساعت آفتابی‌اش



شیرین سیدی| برابر تقویم‌ها، ۱۷ دی‌پهشت برابر است با سی‌و‌دومین سالگرد درگذشت محمدصادق حامدمقدم‌رافتی، معمار آستان قدس رضوی که ترمیم طلاکاری گنبد و ساعت آفتابی صحن جمهوری اسلامی، دو یادگار از بسیار یادگاری‌های او در حرم مطهر رضوی است. همین موضوع هم سبب شد در ستون «تاریخ حرم» این هفته از او یاد کنیم.

- گذری بر روزگار و آثار برجای‌مانده از محمدصادق حامدمقدم‌رافتی در حرم مطهر رضوی



در سال ۱۳۱۲وقتی چهارده سال بیشتر نداشته است، ابتدا به عنوان کارگر ساده ساختمانی وارد مجموعه آستان قدس رضوی می‌شود و تا سال ۱۳۲۷ زیر نظر استاد شکرآ... خوش دست، حاج محمدافرنده، حاج محمدرضا معمار و حاج احمد بیوکی، از معماران برجسته آن دوران، شاگردی می‌کند تا بلد کار شود؛ «در سال ۱۳۴۳ رسماً به‌سمت معمار اماکن مذهبی و آستان قدس رضوی انتخاب شد. رافتی با تبعیت از پیشینیان خود و با استفاده از امکانات جدید، ابداعاتی در معماری سنتی ایجاد کرد و از طرح‌هایش در کارهای پیش ساخته بهره فراوان برد. او استاد کارهای چهارگانه معماری اسلامی (مقرنس‌بندی، رسمی‌سازی و یزدی‌بندی، تاسه‌بندی و گره‌کشی) بود. احداث صحن جمهوری اسلامی از بزرگ‌ترین و مهم‌ترین آثار اوست که از ابتدا با پایان مراحل سقف‌کاری و نازک‌کاری در آن حضور داشته است. همچنین در ضمن احداث این صحن، بر ساخت رواق‌های دارالرحمه، دارالهدایه، دارالولایه، ایوان طلا و گلدسته‌های آن نظارت داشت. رواق دارالاخلاص نیز نمونه‌ای از کارهای رسمی‌بندی توأم با تاسه‌بندی اوست. کارشناسان می‌گویند این معمار برجسته در هنر مقرنس‌بندی نیز ابداعاتی داشته است که مقرنس‌بندی جدولی بالاسر مبارک، از آن جمله است. ناگفته نماند که مقرنس و مقری‌کاری‌های گلدسته جنوبی برج هشت‌ضلعی ساعت صحن آزادی، نیز از آثار اوست. رافتی در تعویض روکش طلای گنبد مطهر نیز مشارکت داشت و طراحی و اجرای بنای نقاره‌خانه، از دیگر یادگارهای ارزنده اوست. او مدتی کوتاه نیز در بازسازی شهر هویزه توسط آستان قدس همکاری کرد و به‌خاطر خدمات فراوانش، به افتخار خادمی رسید. محمدصادق حامدمقدم‌رافتی پس از شصت سال خدمت در آستان قدس، اردیبهشت ۱۳۷۱ خورشیدی درگذشت و پای پنجره فولاد صحن انقلاب، درست جایی که خود ساخته بود، براساس وصیت خودش دفن شد.

- درباره ساعت آفتابی حرم؛ یادگار عجیب محمدصادق حامدمقدم‌رافتی



این ساعت که محمدصادق حامدمقدم آن را سه سال قبل از درگذشتش ساخته است، همه آن‌هایی که حتی برای یک‌بار صحن جمهوری اسلامی را قدم گرفته‌اند، به تماشا و زیارت دیده‌اند و دقایقی کنار آن ایستاده‌اند. ساعت یادشده که با خورشید و نور آن می‌چرخد و دقیق‌ترین شاخص در همه فصل‌های سال برای نشان دادن ظهر شرعی است، با سنگ یکپارچه ساخته شده است. به عبارت دیگر در روزهای آفتابی، می‌توان به‌وسیله شاخص فلزی وسط این بنا، هم ظهر شرعی را تشخیص داد و هم ساعتی را که به ظهر مانده یا از ظهر گذشته است، مشخص کرد. نکته مهمی که در ساختن چنین شاخص‌هایی بدان توجه شده است، این است که به علت شکل خاصی که دارند، می‌توان با دو روش، ظهر شرعی را با این شاخص تعیین کرد؛ یکی گذشتن خورشید از نصف‌النهار به‌وسیله افتادن سایه شاخص از غرب به شرق و دیگری کم شدن ارتفاع خورشید پس از رسیدن به بیشترین ارتفاع، به وسیله بلند شدن سایه شاخص پس از رسیدن به کوتاه‌ترین طول خود.

نکته دیگری که درمورد ظهر شرعی باید به آن توجه کرد، این است که برخلاف طلوع و غروب خورشید و اذان صبح که هم تابع طول جغرافیایی و هم تابع عرض جغرافیایی هستند، ظهر شرعی فقط تابع طول جغرافیایی است که به‌وسیله اختلاف زمان ظهر شرعی بین دو مکان، می‌توان به اختلاف ساعت بین آن دو مکان پی برد. به عبارت دیگر، فاصله ظهر شرعی بین دو نقطه از زمین در طول سال یکسان است و همچنین جاهایی که طول جغرافیایی یکسانی دارند، ظهر شرعی یکسانی هم دارند، ولی طلوع و غروب خورشید و اذان صبح چنین نیستند.



۴شنبه
۱۵ شهریورماه
۱۴۰۳
شماره ۲۲۰

۱۵



تاریخ و هویت

تاریخ و هویت

تاریخ و هویت

تاریخ و هویت

تاریخ و هویت

تاریخ و هویت

تاریخ و هویت

تاریخ و هویت

تاریخ و هویت

تاریخ و هویت

تاریخ و هویت

تاریخ و هویت

تاریخ و هویت

تاریخ و هویت

تاریخ و هویت

تاریخ و هویت

تاریخ و هویت

تاریخ و هویت

تاریخ و هویت

تاریخ و هویت

تاریخ و هویت

تاریخ و هویت

تاریخ و هویت